

دولت "اعتدال" و ضمانت اعتدال در جامعه!

چند ماهی است که دولت "تدبیر و امید" بر سر کار آمده و اگر به برنامه، و به عمل کرد چند وقتی دولت روحانی از یک سو، و همچنین به زندگی و معیشت میلیون ها انسان دردمند و جوانان از سوی دیگر نگاهی بی اندازیم، آن وقت و به راحتی، در خواهیم یافت که دولت "اعتدال"، زبان گویا و مدافعی کدام طبقه در درون جامعه ایران می باشد.

پروسه و ورود روحانی به منصب ریاست جمهوری ایران مشخص است و کمتر کسی است که بر این عقیده نباشد، روحانی از فیلتر نظامی رد و تأیید شده است که پایه های اش، بر فقر و استثمار میلیون ها انسان رنج دیده و با دستگیری و شکنجه و اعدام مخالفین ریخته شده است. در این چند دهه و از سر خیر این نظام، جامعه به میدان غارت اموال عمومی و به میادین ترس و رعب وحشت توده های ستم دیده تبدیل گردیده است و لحظه ای از حیات سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، خالی از خانه خرابی زنده گانی مردم و تشدید خفقان و بگير و به بندها نیست. در حقیقت سیاست های نظام را این گونه نوشته اند و همه ی دولت ها، و از جمله از دولت "سازنده گی" رفسنجانی و "اصلاحات" خاتمی و "مردمی" احمدی نژاد گرفته، تا دولت "تدبیر و امید" روحانی، وظیفه ای جز، تأمین منافع ی سرمایه داران بین المللی و بالا کشیدن دست رنج کارگران و زحمت کشان بر عهده - نه داشته - ندارند.

به واقع و علی رغم تبلیغات مسموم کننده ی نظام و دنباله روان و روشن فکران درونی و بیرونی آن، مبنی بر این که دولت کنونی نافته ای جدا بافته از دولت های قبلی است، باید بر این موضوع تأکید ورزید که مسیر تحریبی جامعه و دامنه ی سرکوب و فقر توده ای، نه تنها کاسته نه شده است، بلکه در ابعادی گسترده تر هم ادامه دارد. دولت "تدبیر و امید"، قصد و خواسته اش برقراری عدالت اجتماعی و اعتدال در درون جامعه نبوده و نیست؟ چرا که دولت ها در چنین مناسباتی فاقد ظرفیت و پتانسیل لازمه به منظور تغییر اوضاع به نفع مردماند و کار و بارشان، فقط و فقط گسترده گی بی عدالتی ها، ناامنی های شغلی و افزودن بر صدها مصائب سیاسی - اجتماعی در درون جامعه - بوده - و می باشد.

با این اوصاف و بنابه وجود هزاران فاکتور روشن و مستدل، چنین انتظاری از نظام جمهوری اسلامی و دولت های رنگارنگ اش - و آن هم با هر عناوینی -، پوچ و در خلاف آرمان های توده های محروم است. به بیانی فراتر و روشن تر در چنین نظام هایی، خلاقیت های عناصر و به تبعی آن ظرفیت دولت ها، پیشاپیش تعیین و نوشته شده است و کسان و یا دولت هایی بر سر کار گمارده خواهند شد که قدرت گردش روان تر سیاست ها و اجرای عملی بهتر برنامه های نظام را از یک طرف دارا، و از طرف دیگر کمترین نرمشی در قبال مطالبات بدیهی کارگران و زحمت کشان، جوانان و زنان از خود به خرج ندهند.

سر در آوردن و فعالیت های چند ماهه ی دولت "اعتدال"، در خلاف حکم فوق نیست و جامعه ی سرمایه داری، ذاتاً و نفساً، طالب تداوم تحقیر انسانیت و زنده نگه داشتن میادین اعدام می باشد. روحانی هم برای انجام چنین کاری اعلام آماده گی نموده و بدون کمترین تردیدی، مدافع و مجری بی چون و چرای نظام کنونی است. اگر چه وی و بعضاً هواداران درونی و بیرونی اش بر این ادعا بوده و می باشند که دولت "تدبیر و امید" آمده است تا به معیشت و به نداری میلیون ها انسان رنج دیده که چند دهه ای است کمرشان، زیر چرخ دنده های استثمار و برده گی خُرد شده است، پاسخ گوید!! اگر چه روشن فکران درونی و بیرونی وابسته به سرمایه، بر این باور بوده و هستند که

دولت روحانی آمده است تا فضای سرکوب، ترس و وحشت و اعدام‌ها را بر گرداند و به‌جای آن‌ها، "یک‌دلی"، "یگانه‌گی"، "آزادی"، "دمکراسی" و "آرامش" را جای‌گزین نماید!! اما و در عوض روحانی، همان راهی را پیشه‌ی خود ساخته است که مایقی دولت‌ها در پی آن بودند.

آری، این‌ها شعار روحانی حول برقراری "اعتدال" بود که جامعه‌ی ایران - و آن‌هم در کوتاه مدت - دارد، مابه‌ازای عملی آنرا، در عدم پرداخت دست‌مزد ناچیز کارگران، در تداوم سیاست‌ها و قوانین دست‌پا‌گیر در درون دانشگاه‌ها، در گسترش اعتیاد و در بگير و به بندها و بالاخره در اعدام مخالفین و آن‌هم در ابعادی گسترده‌تر به‌عینه مشاهده می‌کند.

این سیمای حقیقی دولت "تدبیر و امید" می‌باشد و پُر واضح است که طرح موضوعات و مقولاتی همچون اعتدال و دمکراسی و محترم شمردن به حقوق پایه‌ای میلیون‌ها توده‌ی ستم‌دیده، در زیر سلطه‌ی نظام سراسر خشن و عربان، فاقد پشتوانه‌های عملی‌ست و زمانی می‌توان، تصویری از برقراری عدالت در درون جامعه ارائه داد که نظامی بر سر کار آید، تا از حقوق پایه‌ای توده‌های ستم‌دیده دفاع نماید؛ نظامی که امید دهنده و نویدبخش زنده‌گی بهتر کارگران و زحمت‌کشان، و همچنین زیر بنای‌اش، با رد عملی تفاوت‌های طبقاتی در درون جامعه ریخته شده باشد. تنها در چنین نظامی‌ست که مقوله‌هایی همچون عدالت و دمکراسی و اعتدال، ضمانت اجرائی داشته و نظام، دستان سرمایه‌داران و منفعت‌خواران را از جان و مال کارگران و زحمت‌کشان قطع خواهد نمود. این آن خواسته‌ی باطنی‌ست که میلیون‌ها انسان محروم به‌همراه فرزندان‌شان به دنبال آنند.

مندرج در نشریه‌ی پیام سیاهکل، ارگان سازمان ۱۹ بهمن، شماره‌ی ۱۹، آبان ۱۳۹۲

[بازگشت](#)